

"کار" و "فراغت" ایرانیان

حسن قاضی مرادی



نشر اختران

سرشتاسه	: قاضی مرادی، حسن، ۱۳۳۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: 'کار' و 'فراغت' ایرانیان / حسن قاضی مرادی.
مشخصات نشر	: تهران: اختران، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۴ ص.
شابک	: ISBN 978-964-8897-39-5
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا.
موضوع	: اوقات فراغت -- ایران.
موضوع	: کسب و کار -- ایران.
رده‌بندی کنگره	: ۷۱۲۷ / ق ۲ ک ۲ G
رده‌بندی دیویی	: ۷۹۰ / ۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۰۵۷۸۷۵ - ۸۶ م



نشر اختران

'کار' و 'فراغت' ایرانیان

نویسنده: حسن قاضی مرادی

شماره‌ی نشر ۱۴۷

چاپ اول: ۱۳۸۶

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: پارسیان

چاپ و صحافی: بهمن

تلفکس انتشارات: ۶۶۴۱۰۳۲۵ - تلفن فروشگاه: ۶۶۴۱۱۴۲۹ - ۶۶۹۵۳۰۷۱

www.akhtarbook.com

Email: info@akhtarbook.com

ISBN 978-964-8897-39-5

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۹۷-۳۹-۵

کلیه حقوق برای نشر اختران محفوظ است

قیمت: ۲۶۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷	پیش‌گفتار.....
	فصل اول: در معنای کار و فراغت
۱۳	در معنای کار.....
۱۶	کار در تمایز با زحمت و اشتغال.....
۲۵	در معنای فراغت.....
۳۰	فراغت در تمایز با سرگرمی خواهی.....
	فصل دوم
	بخش اول: بیگانگی کار و فقدان اشتیاق به کار
	در میان ایرانیان
۳۵	عوامل اقتصادی.....
۶۵	عوامل سیاسی.....
۹۰	عوامل اجتماعی.....
۱۱۷	عوامل فرهنگی.....
۱۴۰	عوامل روانشناختی:.....
	بخش دوم: بیگانگی فراغت و فرهنگ سرگرمی خواهی
۱۵۱	در میان ایرانیان.....
۱۵۲	برخی ویژگی‌های فرهنگ سرگرمی خواهی.....
۱۶۴	برخی کارکردهای فرهنگ سرگرمی خواهی.....
۱۸۰	تلویزیون به عنوان مهم‌ترین وسیله‌ی سرگرمی خواهی.....
۱۸۳	پی‌گفتار: کار و فراغت رهایی‌بخش.....

پیش‌گفتار

پرداختن به موضوع کار و فراغت، پرداختن به دو مهم‌ترین ویژگی هویت انسانی است؛ هویتی که هستی از پیش تعیین شده‌ای نیست، بلکه از طریق کار و فراغت است که خلق و تثبیت می‌شود، می‌گسترده و تعالی می‌یابد.

با کار بود که بشر بر پای خویش ایستاد و خود را از اسارت طبیعت رهانید و از هویت انسانی برخوردار شد و "آزادی" را خلق کرد. کار توانمندی‌ها و استعدادها را و مولد انسان را به منظور رفع نیازهای او به تحقق درآورد و این توانمندی‌ها و استعدادها را، آن هم در روند مشارکت اجتماعی، گسترانید و تعالی بخشید. کار، بیش از همه، تجلی اراده‌ی انسان در انتخاب‌های جسورانه‌ای است که او به واسطه‌ی شناخت‌اش از طبیعت و جامعه‌ی انسانی به آن‌ها چنگ می‌زند و با تحقق آن‌ها، یعنی با تحقق و بازتولید خود، حوزه‌ی انتخاب‌ها یا آزادی‌اش را می‌گسترده.

با رشد نیروی کار، اعتلای علوم و فناوری و نیز گذار از اقتصاد معیشتی به اقتصاد کالایی بود که زمان فراغت از زمان کار متمایز شد. پس، انسان فرصت یافت تا در فعالیت‌های خود-انگیخته‌ی زمان فراغت به دلخواه‌ها و اشتیاقات خویش پردازد و از این طریق، به نوعی، متفاوت از فعالیت‌های زمان کار، به خود-بیانگری و خود-تعالی بخشی‌اش اقدام کند. فعالیت‌های زمان فراغت مجموعه‌ی فعالیت‌هایی است که به منظور دفاع از حق خود-انگیختگی و عمل مستقلانه، برای پس زدن مرزهای محدود کننده و تجویزگرانه و اجباری، در پرداختن فرد به هنر، علم،

فرهنگ، سیاست، ورزش و... بازی انجام می‌گیرد و فرصت زندگی فرد را می‌گستراند؛ گسترشی که به معنای رهایی و آزادی است.

کار و فراغت، که عمده‌ی فعالیت‌های فکری، عملی و عاطفی انسان را دربر می‌گیرند، تجلی خود-شکوفایی انسان‌اند. همچنان که کار، فراغت نیز حوزه‌ی تحقق استعدادها و افزایش توانمندی‌های فرد است. پس، به هر میزان که فرد بتواند استعدادها و توانمندی‌هایش را محقق کند و بگستراند به همان میزان حوزه‌ی آزادی زندگی‌اش را گسترانیده است.

یکپارچگی و انسجام زندگی فرد، که باید بنیان خود-شکوفایی‌اش قرار گیرد، مستلزم پیوند کار و فراغت در زندگی اوست. کار، حق ایجاد می‌کند و فراغت، استقلال و خود-انگیختگی. پس، هر دو برانگیزنده‌ی مسئولیت‌پذیری‌اند. همین مسئولیت‌پذیری است که فرد را به طغیان آگاهانه علیه شرایط نانسانی تحمیل شده به خود سوق می‌دهد. زمینه و بستر هر مبارزه‌ی راستینی کار و فراغت است. بزرگی انسان با نتایج کارش و نیز محتوای فراغت‌اش سنجیده می‌شود. کار تجلی زندگی و هویت فرد و فراغت تثبیت این دو است. کار و فراغت شمایل انسان‌اند.

این رساله شرحی است درباره‌ی چیستی و چگونگی "کار" و "فراغت" در جامعه‌ی ما و نیز شامل اشاره‌هایی است به چرایی‌ها. پرداختن به این مسئله‌ی اساسی است که اگر باید گفت کار و فراغت شمایل انسان‌اند، چرا ما چندان کار نمی‌کنیم؛ همچنان که، پیامد آن، چندان هم به فراغت نمی‌پردازیم. این بی‌اشتیافی ما به کار و گریزمان از فعالیت‌های زمان فراغت از کجا ناشی می‌شود، چه بروزاتی می‌یابد و چه نتایجی به بار می‌آورد.

بر این باورم که ریشه‌ی این امر در بیگانگی کار و فراغت در میان ما است؛ همچنان که معتقدم که این بیگانگی - تا حدی - از بیگانگی کار و فراغت در جوامع غربی متمایز است. بیگانگی کار در میان ما، عمدتاً، در

زحمت و اشتغال آشکار می‌شود و بیگانگی زمان فراغت در سرگرمی-خواهی. علاوه بر این، عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... روانشناختی بسیاری بوده‌اند که در بی‌اشتیاقی ما به کار و انفعال‌پذیری مان در زمان فراغت مؤثر بوده‌اند، که در پاسخ به چستی و چگونگی کار و فراغت در جامعه‌ی ما باید مورد تأمل قرار گیرند.

در فصل اول با ارائه‌ی تعریفی از کار و فراغت به معرفی زحمت و اشتغال و نیز سرگرمی‌خواهی به عنوان اشکال بیگانه شده‌ی آن‌ها پرداخته‌ام. هرچند از کل رساله برمی‌آید برای کار جامعیتی قایل‌ام که بخش عمده‌ای از فعالیت‌های فکری، عملی و عاطفی انسان را در بر می‌گیرد، اما در این فصل و نیز در ادامه، کار را در معنای محدودتر آن، عمدتاً، در فعالیت‌های خدماتی و تولیدی مطرح کرده‌ام. در این فصل ناگزیر بودم تا مباحثی را مطرح کنم که کمی جنبه‌ی نظری و انتزاعی دارند. مباحث این فصل را برای درک واضح‌تر مطالب فصل دوم ضروری می‌دانم. در عین حال، کوشیده‌ام تا این مباحث را، که تأمل بیشتر خواننده را می‌طلبند، به اجمال و اختصار بیاورم تا خوانندگان، بیش از حد، با حجم مباحث نظری مواجه نباشند.

در فصل دوم، در دو بخش، نخست به برخی عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نیز روانشناختی پرداخته‌ام که در کل تاریخ ایران همچون موانعی در برانگیختن تمایل ایرانیان به کار مؤثر بوده‌اند. در این بخش کوشیده‌ام نشان دهم که این عوامل اگر در بی‌انگیزگی ما به کار عملی مؤثر بوده‌اند، تنها به اشکال متفاوتی، شمکن بوده است که ما را از جسارت و ورزیدن به کار فکری نیز بازدارند. در بخش دوم این فصل نیز برخی ویژگی‌ها و کارکردهای فرهنگ سرگرمی‌خواهی را، آن‌گونه که در میان ما بروز یافته است، طرح کرده‌ام.

خواننده به وضوح درمی‌یابد که بین این دو بخش فصل دوم چه از نظر ساختار و شیوه‌ی پرداختن به موضوع و چه از نظر حجم مطالب

ناهماهنگی وجود دارد. در توضیح این ناهماهنگی به همین بسنده می‌کنم که کار در جوامع انسانی امری قدیم است و پرداختن به جایگاه آن در جامعه‌ی ما و علل چنین جایگاهی پیشینه‌ای طولانی دارد. در حالی که فراغت در جامعه‌ی انسانی امری جدید است و، از این رو، پرداختن به جایگاه آن در جامعه‌ی ما و علل چنین جایگاهی موضوع تحقیقی جدیدی است. در عین حال، در پرداختن به وضعیت زمان فراغت در جامعه‌ی ما این هدف را نداشتیم که به بررسی میدانی و آماری از چگونگی گذران اوقات فراغت و تحلیل نتایج به دست آمده بپردازیم؛ همچنان که در بخش اول نیز با چنین رویکردی به موضوع کار در جامعه نپرداخته‌ام.

در پی گفتار با تأکید بر نقش رهاندگی کار و فراغت اشاره‌هایی به این مسئله داشته‌ام که، در شرایط کنونی جامعه، ما به عنوان مردمان در حال گذار به تجدّد (مدرنیته) چه ادراکی از خصلت رهاندگی کار و فراغت و در نتیجه، چه رویکردی به چنین ادراکی می‌توانیم و باید داشته باشیم.

در این نوشته، به منظور جلوگیری از افزایش حجم مطالب از منابع و مآخذ معدودی استفاده کرده‌ام. حتی برخی از ارجاع‌ها را، که عموماً نقش روشنگری مطالب متن را دارند، به صورت زیرنویس آورده‌ام تا خواننده مختار باشد آن‌ها را بخواند یا نه. بالطبع، اگر در آثار کلاسیک فارسی می‌توان به وفور مستندات در تأیید بی‌اشتیافی ما به کار یافت، همچنین در این آثار، از پیش از اسلام تا بعد، می‌توان شواهدی در تأیید کار و ترغیب به کار نیز یافت. از آن جا که معتقدم این نوع دستورالعمل‌ها که عمدتاً ماهیت پند و اندرز داشته‌اند کمتر در جامعه‌ی ایران متحقق شده‌اند از آوردن این دسته شواهد خودداری کرده‌ام. توجه بیشتر به آثار بیگانگانی که از ایران بازدید کرده و دریافت‌های‌شان از جامعه‌ی ایران را ثبت کرده‌اند به این دلیل بوده است که، بالطبع، آنان بیش از خود ما به چنین

موضوعاتی توجه نشان می‌داده‌اند.

این رساله از به هم پیوستن، بازیابی و گسترش دو مقاله‌ی پیش‌منتشر شده فراهم آمد. دو قسمت از مقاله‌ی نخست با نام "ضعف اشتیاق به کار در میان ایرانیان" در سال ۱۳۷۹ در روزنامه‌ی عصر آزادگان و تا پیش از توقیف آن به چاپ رسید. مقاله‌ی دوم نیز با نام "فرهنگ سرگرمی‌خواهی" در سال ۱۳۸۵ در دو شماره‌ی روزنامه‌ی شرق منتشر شد.

لازم می‌بینم از دقت ژرف و همراهی دوستانه‌ی خانم مدبّر در بازخوانی و تصحیح متن سپاسگزاری کنم. همچنان که از توجه مشفقانه‌ی خانم رمزی در تایپ متن و نیز پیگیری‌های رفاقت‌آمیز دیگر همکارانم در نشر اختران متشکرم.